

از لابلای نبشته های روزمره

تناقض سیاستهای بیرونی در افغانستان

بررسی چون و چراي مسایل

بگفته تحلیلگران و دانشمندان علوم سیاسی، در زندگی ملتها، بخصوص در لحظات مشخص، وضعیت و حالاتی تکوین میپذیرد که دولت ها و حاکمیت های سیاسی در مواقع ضروری، آمادگیهای لازم بمنظور پاسخگویی به وضع پیش آمده را در خود سراغ ندیده و با دستپاچگی بوسایل غیرمتعارفی متوسل میگردند، کاین خود، میتواند نتایج زیانباری بدنبال داشته باشد. درمسأله مورد بحث بصورت مشخص متذکر باید گردید که مسأله خروج نظامیان ایالات متحده و ناتو از افغانستان، رهبران کشورهای همجوار ما را در شرایط انتخاب دشواری قرار میدهد. از جمله، سیاست روسیه در افغانستان کنونی درگرهگاه نحوه مناسبات روسیه باغرب درمورد درگیریهای اکرائین بازتاب مییابد.

اندکی بعقب برمیگردیم تا تصورحداقلی از اصل مسأله ارائه نموده باشیم: تجربه شوروی از موجودیت نیروهای نظامی آن کشوری طی سالهای ۱۹۸۰ در افغانستان، برحافظه رهبران روسیه سنگینی مینماید. در اوضاع کنونی، مسأله مداخله در افغانستان حتی در تصور آنها نیز نمیگنجد. آنها در مجموع آرزومندند تا از جنگ و مداخله بیجا که از هر لحاظی برای آنها، هم از نقطه نظر مصارف پولی و هم از نقطه نظر کاربرد سلاح و مهمات، زیانبار میباشد، اجتناب ورزند. چه، جنگ شوروی در افغانستان طی سالهای ۱۹۷۹-۱۹۸۹ که مطبوعات غرب آنرا «دام خرس» نامیدند، بعقیده بسیاریها، بمتابه یکی از جمله عوامل فروریزی اتحاد شوروی پنداشته میشود.

خطر خلاء قدرت

در اینمورد بخاطر بایدآورد که قبل از ماه دسامبر سال ۲۰۱۴ ضرب الاجل خروج نظامیان ایالات متحده از افغانستان تعیین گردید. درآنزمان روسیه با خروج سریع توأم باعجله نظامیان امریکایی از افغانستان موافق نبود، کنون نیروهای رزمی ایالات متحده در افغانستان وجود ندارند و بگفته مقامات امریکایی، صرف مشاوران نظامی آن کشور بمنظور ارائه مشوره و انجام امور تعلیم و تربیه نظامیان افغان، در کشور موجود بوده و اما فعالیتهای محاروبی، همه بدوش نظامیان افغان میباشد.

مطابق اظهارات کارشناسان سیاسی، رهبران روسیه در نتیجه عجله بیش از حد در خروج نظامیان خارجی از افغانستان، از ایجاد ناگهانی خلی قدرت در افغانستان هراس داشتند که در نوع خود، تهدیدات جدی را بدنبال خواهد داشت، از جمله پخش و گسترش سلاح، وسعت فساد در ارگانه‌های امنیتی و پولیس، ازدیاد تجارت مواد مخدر، تقویت نیروهای بنیادگرا در افغانستان و ... *

مطابق آخرین اطلاعات موجود از منطقه، اکنون و در شرایط امروزی افغانستان، «دولت اسلامی» (داعش) عملاً موجود می‌باشد. محافل صلحدوست، از جمله کشورهای همجوار افغانستان اگر خواستار امنیت در منطقه می‌باشند، باید از شورای امنیت سازمان ملل تقاضا نمایند تا از توسعه بیشتر گروه‌بندی «دولت اسلامی» (داعش) در این منطقه جهان باید جلوگیری بعمل آید.

موضوعی که به مسأله طالب‌ها و «دولت اسلامی» (داعش) ارتباط می‌گیرد، بسیاری از صاحب‌نظران در این مورد متفق‌الرأی می‌باشند که در اینجا مسأله موجودیت و هم پیوستگی بد و بدتر مطرح بحث می‌باشد. همه در این مورد نقطه نظر مشترک دارند که «دولت اسلامی» (داعش) در افغانستان، بگمان اغلب بدتر از طالب‌ها می‌باشند، چون مسلمانان جوان از کشورهای مختلف را استخدام نموده که پس از مدت زمانی، با سپری نمودن تعلیمات و انجام شستشوی مغزی، بمثابة تروریست‌های تمام عیار و با آمادگی‌ها و تلقین‌هایی، مجدداً بکشورهایشان فرستاده می‌شوند.

در کنار آن بایست یادآور شد که با همه خشونت‌های طالب‌ها، در زمان حاکمیت آنها، بمقایسه بوضع کنونی، افغانستان از ثبات و امنیت بیشتری برخوردار بود. اما این نکته قابل ذکر می‌باشد که چه «دولت اسلامی» (داعش) و چه طالب‌ها، اصلاً موجودیت خارجی‌ها را در افغانستان نمی‌پذیرند.

همچنان باید متذکر گردید که کشور روسیه نیز با این نظر توافق کامل دارد که بمنظور ایجاد و تحکیم صلح و ثبات دایمی و همیشگی در افغانستان، گروه‌های معتدل طالب‌ها باید در بدنه دولت جا داده شوند. همه باین امر معترفند که در زمان حاکمیت طالب‌ها بمقایسه با سال‌های اخیر موجودیت نظامیان خارجی در کشور، کشت و قچاق مواد مخدر در افغانستان کاهش قابل ملاحظه‌ای حاصل نمود. در عین حال کشور روسیه، به امکانات تقلیل قوت‌های نظامی اضافی در قرغیزستان و تاجیکستان و همچنان به تجدید تسلیحات اردوهای کشورهای متذکره توجه نموده و در منطقه آسیای میانه منطقه حائل ایجاد گردید تا از نفوذ نیروهای رادیکال و سرازیر گردیدن مواد مخدر به قلمرو آنکشور جلوگیری بعمل آید.

دولت روسیه در نظر داشت تا سناریوی ایده آل در افغانستان، یعنی حفظ حامد کرزی در قدرت و ایجاد حکومت آشتی ملی با شرکت طالب‌های معتدل، مطرح بحث قرار گیرد. اما سناریوی متذکره با شکست مواجه گردید و اکنون چنین پیش آمد تا روسیه امور خویش را بدون کرزی تداوم بخشد.

گزینه های انتخابی

کارشناسان امور، چنین ادعا مینمایند که در اوضاع و احوال کنونی برای روسیه سه گزینه وجود دارد:

روسیه میتواند به سیاستی که طی سالهای ۱۹۹۰ به انجام آن مبادرت میورزید، متوسل گردد و نسخه جدید اتحاد شمال را مورد تأیید و پشتیبانی قرار دهد، نسخه متذکره شامل ایجاد منطقه حائل بمنظور دفاع از متحدان آسیای مرکزی می‌باشد، این اولاً؛

این امکان نیز مقدور می‌باشد تا با حاکمیت جدید افغانستان بر رهبری اشرف غنی و در صورت امکان با طالب‌های میانه‌رو همکاری نماید، این ثانیاً؛

گزینه متذکره، ممکن تجارت مواد مخدر را تقلیل بخشد، اما افغانستان مجدداً با خطر تبدیل سرچشمه‌ای برای رادیکالیسم اسلامی و تروریستها مواجه خواهد شد. جنگ و زد و خورد چیچین، برای رهبران و باشندگان روسیه در مجموع، غم و اندوه بیمانندی بوجود آورد. همچنان متذکر باید گردید که مسکو در صدد آن نیست تا امر مبارزه با اسلام رادیکال، موجب گشایش جبهه جدیدی برای آن کشور گردد. گزینه دیگر اینکه روسیه میتواند با نیروها و قوت‌های غربی، همکاری‌هایش را بدرجات مختلفی در مورد ایجاد منطقه حائل در اطراف آسیای مرکزی، ادامه دهد. معضله در مورد یادشده بعلت اقدام متقابل چین در بریدن از ستراتیژی روسیه تبارز مینماید، اینهم ثالثاً.

علاوه بر این، رویارویی‌های جدید روسیه با غرب در اکراین، شاید مدت زمان طولانی در همکاری‌های روسیه با غرب در مورد مسایل افغانستان خلل و موانعی ایجاد نماید.

بمشکل بتوان در این مورد اظهار نظر نمود که روسیه کدام یک گزینه را بر خواهد گزید. در این مورد باید یادآور شد که روسیه انواع عناصر مختلف سناریوها در مورد یادشده را چنانچه می‌گوید، به انجام عملی آنها نیز مبادرت می‌ورزد. زمامداران روسیه بخصوص طی سال‌های اخیر، در صدد آنند تا به تحکیم مواضع کشورشان در عرصه روابط بین‌المللی سعی و تلاش زیادی بخرچ دهند.

در مناسبات و روابط گونه‌گونه، روسیه تاکنون قادر بدان گردیده تا وضعیت و موقعیت بین‌المللی خویش را بخصوص در مجموع روابط بین‌الدول، بیش از پیش تحکیم بخشد. یادآور باید شد که روسیه نه بمتابه ابر قدرت، بلکه بمتابه بازیگر قوی و نیرومند منطوقی از خاکسترهای اتحاد شوروی سربر آورد که نمیتوان نقش کشور نامبرده را در معادلات موجود سیاسی - نظامی در مناطق مختلف جهان، نادیده گرفت.

در شرایط کنونی، روسیه میخواهد دوباره موقف بین‌المللی اش اعاده گردیده و جامعه بین‌المللی نیز بدان احترام گذارد. میلان کنونی دولت روسیه و تأثیرگذاری سیاست آن کشور در افغانستان بخصوص از سال ۲۰۰۱ بدینطرف، عملاً مشاهده می‌گردد.

در نتیجه، روسیه بزودی در افغانستان با مسأله قابل توجهی مواجه خواهد بود و آن عبارت از مسأله چگونگی استفاده از تمامی امکانات موجود در افغانستان بمنظور دفاع از منافعش در عرصه امنیت کشورهای آسیای میانه می‌باشد.

تاریخ نگارش این نیشته : بیست و یکم ماه سپتامبر سال ۲۰۱۵